



مرد یا زن بدون دیگری هرگز نمی تواند به مدارج کمال دست پیدا کند

اسلام موقعیت زن را بسیار کریمانه و ارزشمند معرفی کرده و ضمن اینکه او را به لحاظ همسطحی برابر با انسان و مرد دانسته و می گوید خداوند حقیقت زن و مرد را از حقیقت واحد آفریده است.

اسلام موقعیت زن را بسیار کریمانه و ارزشمند معرفی کرده و ضمن اینکه او را به لحاظ همسطحی برابر با انسان و مرد دانسته و می گوید خداوند حقیقت زن و مرد را از حقیقت واحد آفریده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، اگر جامعه موضوع تفکر و اندیشه اسلامی را بهتر بشناسد، در مناسبات با این مقوله شاید بتواند در شرایط بهتری قرار گیرد تا از آن بیشتر بهره مند شود. ازجمله مسائلی که جا دارد به درستی به آن پرداخته شود مقوله زن است. این مقوله با توجه به شرایط خاص اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اقتضائاتی دارد که اگر شناخته شود ممکن است بهتر سامان داده شود و جامعه در شرایط بهتری قرار گیرد.

در گفتگویی با حجت الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی جوادی آملی، رئیس بنیاد بین المللی علوم وحیانی اسراء به بررسی جایگاه و مقام زن در اسلام و چگونگی بهره گیری از مقام و شخصیت حضرت زهرا(س) برای بهتر شدن وضع زنان در جامعه پرداخته شده است که اکنون از نظر شما می گذرد.

***امروزه جامعه زنان درگیر سوء تفاهمهای مختلفی است برخی از گروه های فمینیسم با ایجاد شبهاتی سعی در مخدوش کردن جایگاه زن در دین اسلام را دارند. در ابتدای این گفتگو لازم است مروری بر جایگاه زن در اسلام داشته باشید؟**

اسلام موقعیت زن را بسیار کریمانه و ارزشمند معرفی کرده و ضمن اینکه او را به لحاظ همسطحی برابر با انسان و مرد دانسته و می گوید خداوند حقیقت زن و مرد را از حقیقت واحد آفریده است. اسلام همه کمالاتی که برای مرد امکان پذیر است برای زن هم امکان پذیر معرفی می کند و برمی شمارد. هیچ کمالی از کمالات انسانی نیست، مگر اینکه زن هم می تواند به آن کمال دست پیدا کند و به تعبیر آیت الله جوادی آملی نه ذکورت و مرد بودن، شرط رسیدن به کمال است و نه انوئت و زن بودن مانعی برای رسیدن به آن، بلکه از آن جهت که هر دو انسان هستند برای راهیابی به همه مدارج کمال و فضائل انسانی مستعد هستند، البته هر کدام صنفی از انسان هستند که اقتضای این صنف یکسری تفاوتهایی است که البته این تفاوتها هرگز ارزش اضافی را برای یکی، بدون دیگری نمی آورد بلکه از آن جهت که این دو صنف مکمل یکدیگر هستند و طبق نظام هستی زوج آفریده شده اند تا بتوانند ضعفها و نقصهای یکدیگر را پوشش دهند و به تعبیر رسای قرآنی که می فرماید: «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ» (آیه 187 سوره بقره) مردها برای پوشش دادن نسبت به زنها و احیاناً نقصهایی که در حوزه زنها و خانمها مشاهده می شود و هم زنها برای رفع نقصها و ضعفهایی که احیاناً در جنبه مردها وجود دارد.

خدای عالم آنها را اینگونه قرار داد و فرمود: «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ»، بنابراین دو صنف بودن در جهت تکمیل یکدیگر است و هرگز موجب اختلاف، تهافت و رودرویی نیست بلکه زمینه توسعه و تکمیل و راهیابی به کمال برای یکدیگر شناخته می شوند و هر کدام برای دیگری فرصت و امکان رشد و سعادت را فراهم می آورند، به گونه ای که هر یک بدون دیگری هرگز نمی تواند به مدارج کمال خود دست پیدا کند.

***در مورد اینکه زن و مرد، هر یک بدون دیگری هرگز نمی تواند به مدارج کمال خوش دست پیدا کند، بیشتر توضیح می دهید؛ علت این امر چیست؟**

به اقتضای اینکه هر کدام (زن یا مرد) یک صنفی هستند شرایط بدنی و فیزیکی خاصی را خدای عالم برای آنها قرار داده است که باید آن شرایط برای ما مورد توجه قرار گیرد و هویت مرد یا زن با آن شرایط بدنی مد نظر قرار گیرد. زنها از آن جهت که حیثیت مادری و پرورش انسانها را برعهده دارند مظهر ربوبیت پروردگار عالم هستند و از جهت اینکه بتوانند صحنه ربوبیت الهی را برای فرزندانها به درستی فراهم کنند خدای عالم شرایطی را برای آنها قرار داد تا این امر امکان پذیر باشد. همان طور که برای مردها شرایط دیگری را قرار داد که در زمینه خالقیت و ایجاد وضعیتی که به آفرینش و حقیقت انسانها می انجامد این امر سپرده شده است. بنابراین هر کدام از این دو صنف بعدی از ابعاد حقیقت انسانی هستند که با یکدیگر کامل می شوند و بدون یکدیگر هر کدام به تنهایی، ناقص خواهند بود، اما گاهی اوقات نه به بعد انسانی و نه به بخش صنف مرد یا زن توجه می شود. انسانهایی که این دو بخش از هستی انسان اعم از مرد یا زن را نشانساند طبیعی است که با او نمی توانند مناسبات و روابط شایسته ای را برقرار کنند لذا گاهی اوقات در هم شکستن و نابودی و انحطاط انسانها اعم از مرد و زن از این راه طی مسیر می کند.

وقتی هم به انسان بودن و هم به مرد یا زن بودن توجه شود می بینیم که اقتضائاتی برای اینها وجود دارد که اگر این اقتضائات انسانی و صنفی مورد توجه قرار گیرد و به درستی شناخته شود مسیر اجتماعی مردها و زنها هم مشخص خواهد شد. نباید

شغلها، کارها یا فعالیتهایی را در مسیر زنها یا مردها قرار دهیم که با انسانیت آنها یا با مرد و زن بودن آنها در تضاد و تعارض باشد. اگر پیشه ای، شغلی، فعالیتی و عملی در راستای انسانیت انسان یا مرد بودن انسان یا زن بودن انسان قرار نداشته باشد انسان همیشه در درون چالش درونی و جدی قرار خواهد گرفت. یکی از مشکلاتی که امروزه جوامع بشر خصوصا غربیها به شدت به آن مبتلا هستند و راه مفر و گریزی برای آنها نیست این است که نه انسان را آن گونه که باید بشناسند، می شناسند و نه زن و یا مرد بودن را، لذا یکسری حقوق و ارزشها و اصولی را بر مرد یا زن محکم می کنند که گرچه انسان براساس مبانی ساختگی فلسفی آنها را ممکن است باور کند اما در درون خود این تضاد و تعارض را می بیند و کاملا احساس می کند نه به انسانیت بهایی داده شده است و نه به صنف مرد بودن یا زن بودن. بنابراین نکته ای که قابل توجه است و می خواهم بر روی آن تأکید کنم این است که اگر به این دو جهت توجه شود که مرد و زن اولاً انسان هستند و ثانیاً با هویت صنفی خاصی هستند و این دو جریان اقتضائات و تقاضاهایی دارد، مناسباتی را مطالبه می کنند، انتظاراتی را دارند و ارزشهایی را در نهان خودشان می شناسند و باور دارند اگر مطابق با آنها اقدام نشود و شئونی را برای مرد یا زن تعریف کنند که این شئون در تضاد و تعارض با آن اصول باشد قطعاً انسان به موفقیت و کمال خود، نخواهد رسید و موفقیت برای او حاصل نخواهد شد.

*در راستای تأمین این اهداف و رسیدن به وضع مطلوب مورد نظر اسلام چه کار باید کرد؟

وظیفه متولیان فرهنگ، نخبگان و فرهیختگان است که با شناخت این دو موقعیت برای انسان اعم از مرد یا زن، اقتضائات و تقاضا و استعدادهای طبیعی آنها را مد نظر قرار دهند و مطابق با آنها اینها را به عرصه سیاست، فرهنگ و اجتماع بیاورند. بسیاری از مردها وارد نوع فعالیتهایی می شوند که این فعالیتها با ذات و هویت خودشان سازگار نیست و لذا تضاد درونی آنها را آزار می دهد و همچنین چنین وضعیتی برای خانمها وجود دارد. یکی از مشکلاتی که امروزه مخصوصاً در مسیر درسهای دانشگاهی، علوم دانشگاهی و امثال و ذلک وجود دارد این است که دانشجویان مدت زیادی را سپری می کنند تا به علم و دانش و تخصصی دست پیدا کنند اما وقتی به آنجا رسیدند و اقتضائاتش را دیدند، متوجه می شوند گاهی وقتها حتی استفاده حداقلی هم امکان پذیر نیست و این رشته در مسیر خواسته های درونی و اقتضائات ذاتی و هویتی او نبوده است. به نظر می رسد که اگر متولیان فرهنگ چاره اندیشی نکنند و مسیر اقتضائات انسانی را مخصوصاً برای جامعه ایرانی و اسلامی که علقه شدید فرهنگی، دینی و اعتقادی بین خود و باورهای خود احساس می کند و اگر به او توجه نشود قطعاً آسیب خواهد دید و مسیر رشد و تعالی خود را گم خواهد کرد.

*برای رسیدن به این وضعیت، از سیره اهل بیت(ع) و خصوصاً حضرت فاطمه زهرا چه بهره‌هایی می توانیم ببریم؟

اهل بیت عصمت و طهارت(ع) عموماً و صدیقه طاهره حضرت فاطمه زهرا(س) خصوصاً مسیر تعالی و رشد انسان و زن بودن و حضور در عرصه های اجتماعی و فعالیتهایی که به حوزه زنان بر می‌گردد را به زیبایی ترسیم کردند و با نوع زندگی ای که ارائه فرمودند ضمن حضور در عرصه های اجتماعی و فرهنگی هم به کمالات متوقع انسانی توجه داشتند و هرگز وارد چالشها و درون سوزیهایی که این تقابلات و تعارضات فرهنگی ممکن است برای انسان ایجاد کند واقع نشده اند. ایشان به عنوان همسر نمونه، مادر نمونه و انسانی که در مسیر تعالی و رشد او هیچ کاری که او را با اقتضائات وجودی اش در تضاد قرار دهد نبوده است او را به عنوان یک زن نمونه و تعبیر روایی ما سیده زنان عالم و جهانیان قرار داده است. متأسفانه ارزشهایی که امروز در جامعه کمرنگ شده به جهت بی توجهی و بی اعتنائی به آن چیزی است که در باور و اعتقادات و فرهنگ ما نسبت به اهل بیت(ع) عموماً و حضرت زهرا(س) خصوصاً وجود دارد. اگر جوانها، نوجوانها، اطفال و کودکان نتوانستند شکل درست انسانی خودشان را به درستی پیدا کنند و در مسیر تعالی و رشد با دشواریها و صعوبتهایی روبرو هستند برای این است که از این آموزه های اصیل و حیانی دور ماندند. اتفاقاً خدای متعال در قرآن توصیه کرده است به انسانهایی که برای کمال و سعادت پر گشوده اند و امید به رحمت الهی دارند و به عاقبت برای رسیدن به لقاء الهی با کمال جدیت اهتمام می کنند که در مسیر زندگی خودشان اسوه و نمونه هایی را انتخاب می کنند. کسانی که امید به رحمت الهی دارند اسوه ها و انسانهای نمونه ای را انتخاب می کنند.

*با توجه به سیره و رفتار حضرت فاطمه زهرا(س) در چه ابعادی می توان آن حضرت را الگو قرار داد و جامعه ما خصوصاً جامعه نسوان می توانند از ایشان بهره مند شوند؟

طبق بیان رسول مکرم اسلام(ص) نمونه ای برتر از فاطمه زهرا(س) در همه ابعاد زندگی انسانی، فردی و اجتماعی خصوصاً برای جامعه زنان وجود ندارد؛ از عفت مداری، رعایت مرزهای انسانی، رعایت اخلاق و ارزشهای انسانی، جدیت و اهتمام در امر همسرمداری و فرزندداری گرفته تا این گونه از امور را شئون اصلی دیدن و به اینها به عنوان امر سوم و چهارم ننگریستن. وقتی از علی بن ابیطالب(ع) سؤال کردند فاطمه زهرا(س) را چگونه دیدی؟ فرمود: «نعم العون فی طاعة الله» در مسیر طاعت و بندگی خدا برای من هیچ گونه ممانعتی ایجاد نمی کرد بلکه همواره مسیر را هموار و راه را برای تعالی و رشد فراهم می کند. بنابراین امروزه جا دارد همچنان که جامعه ما اعتقادات و باورهای خودش را با این دسته از انسانها بسته، مراجعه جدیدی نسبت به زندگی و حیات خود از منظر اهل بیت(ع) داشته باشد تا بهره بیشتری را ببرد.